

تصویری نرسیده از زندگی پرافتخار پیامبران

کتابهای به اصطلاح مقدس نه تنها پراز خرافات است بلکه چهره زشتی برای مردان الهی ترسیم کرده که انسان را به کلی از آنها و تعلیماتشان دور و بیگانه می کند .

یکی دیگر از دلایل روشن و غیرقابل خدشه ، بر دستخوردگی و الهامی نبودن همه ی کتابهای عهد عتیق و جدید ، تصویر زشتی است که این کتابها از انبیاء نشان می دهند .

پیامبران که برای ارشاد انسانها ، تهدیب نفوس و درکوتاهتر سخن ، جهت " تزکیه و تعلیم " ^۱ از جانب خدا به سوی آنان فرستاده شده اند باید خود الگوی فضایل انسانی و نمونه کامل پاکیزگیهای اخلاقی باشند تا " امت " از ایشان متابعت کند . اگر فرستادگان خدا ، انسانهایی آلوده و رهبرانی تبهار بود (که از دیدگاه اسلام و مسلمانان دامنشان از لوث هر پلیدی پاک بود) ملت کمترین اعتنایی به گفتارشان نمی کرد هیچ ، که شدیداً مورد اعتراضشان نیز واقع می شدند .

۱- هو الذی بعث فی الاممیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب والحدیث . . . سوره جمعه آیه ۲

در جای خود با دلایل عقلی و نقلی در نهایت اتقان به اثبات رسید که باید رسولان خدا و رهبران آسمانی، ضرورتاً پاکدامن و مصون از گناه باشند. اما متأسفانه در برخی از کتابهای عهد قدیم و جدید، مطالبی دیده می‌شود که از آلودگی دامن و ناپاکی باطن پیامبران خدا حکایت دارد.

دست توجیه کوتاه!

شگفتا، رهبران روحانی یهود و مسیحیت بهنگام مواجهه با چنین مشکلات مذهبی که در عبارتها و متن منابع دینی ایشان هست، دست خود را به توجیهات نامعقول و تفسیرهای غیرواقعی دراز می‌کنند و تا آنجا که مقدورشان هست بگونه‌ای روی آن را "ماست مالی" می‌نمایند، اما در این جا رسوائی آنچنان آشکار شد که دست توجیه‌گران و مفسران عهدین از هرگونه تاویل کوتاه مانده است.

عجب تر اینکه عهد عتیق، در تصویر یک چهره‌ی زشت، برای داود، به آن اندازه هم پستنده نیست، بلکه صریحاً این پیامبر خدا را از درگاه او مطرود می‌داند و می‌گوید، خداوند بروی خشم گرفت، و تهدید کرد همانگونه که به ناموس اوریا در خلوت تجاوز کردی دستور خواهم داد تا به ناموست آشکارا تجاوز شود

ما از خوانندگان گرامی می‌خواهیم اندکی حوصله بخرج دهند و عیسن این

عبارت را که از کتابهای باصطلاح آسمانی ملل یهود و مسیحی نقل می‌کنیم به دقت بخوانند و سپس خود داوری فرمایند که آیا می‌توان این کتابها را وحی آسمانی و الهام الهی دانست؟ و این است عبارت عهد عتیق

"یهوه خدای اسرائیل چنین می‌گوید من ترا (خطاب به داود است) به پادشاهی مسح (انتخاب) نمودم و من ترا از دست "شاول" رهائی دادم و خانه‌ی اقاقت رابتو دادم و زنان آقای ترا به آغوش تو و خاندان اسرائیل و یهود را به تو عطا کردم، و اگر این کم می‌بود چنین و چنان برای تو مزید می‌کردم. پس چرا کلام خداوند را خوار نموده، از نظروی عمل بد بجا آوردی و اوریا را به شمشیر زده زن او را برای خود بزنی گرفتی، و او را با شمشیر "بني عمون" بقتل رسانیدی پس حال، شمشیر از خانه‌ی تو هرگز دور نخواهد شد بعلت اینکه مرا تحقیر

نموده، زن اوریا را گرفتگی، تا زن تو باشد، خداوند چنین می‌گوید اینک من از خانه خود بدی را بر تو عارض خواهم گردانید و زنان ترا پیش چشم تو گرفته و به همسایهات خواهم داد و او در نظر این آفتاب (در روز روشن و نزد عموم) با زنان تو خواهد خوابید^۳

آیا هیچ خردمندی باور می‌کند که پیامبری بزرگ و آسمانی چون داود بسه ناموس دیگری تجاوز کند و یا حق کسی را ضایع سازد؟ آیا درست است، خداوند داود را به فرض صحت آن نسبت ناروا تهدید کند که زنت را بدست دیگران خواهم سپرد تا پیش چشم تو با آنها "همخواه" شوند؟ آیا چنین انتقام، اشاعه فحشاء و مخالف عدالت الهی نیست؟

سیمای داود در قرآن:

قرآن مجید در موارد گوناگون از داود پیامبر، یاد می‌کند و او را داوری دادگر^۴ عالمی عادل^۵ بنده‌ای شاکر^۶ و عهدی صالح، معرفی می‌نماید. ما در میان آیات فراوانی که پیرامون عظمت، عصمت و رسالت این فرستاده‌ی خدا در کتاب آسمانی اسلام آمده است دو آیه زیر را تحلیل و عنوان می‌کنیم تا سیمای تابناک این خلیفه^۷ خدا از دیدگاه تعالیم اسلامی به خوبی روشن شود.

۱- "... وَ قَتَلَ دَاوُدَ جَالُوتَ وَ اٰتٰهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَهُ مَّا يَشَاءُ وَ لَوْلَا دَفَعُ اللّٰهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْاَرْضُ وَلَكِنَّ اللّٰهَ ذُو فَضْلٍ عَلٰى الْعٰلَمِيْنَ. " یعنی داود جالوت را کشت، و خداوند به او ملک و حکمت بخشید و آنچه می‌خواست به او آموخت. اگر خدا بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد (نابود نمی‌ساخت) زمین فاسد و تباه می‌شد (از فساد پر می‌گشت) ولی خدا نسبت به جهانیان صاحب‌کرم و بخشنده است.

هنگامیکه درست در این آیات دقت کنیم می‌بینیم خداوند چند فضیلت

۳- به کتاب دوم شوعیل باب ۱۲ مراجعه فرمائید

۴- یاد داود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق ص آیه ۲۶

۵- ولقد آتینا داود و سلیمان علما. نحل آیه ۱۵

۶- اعملوا آل داود شکرا... سیاء آیه ۱۰

بزرگ و امتیاز عالی به داود عنایت فرموده است .

اورا انسانی مبارز و رزمنده باجبهه کفر و ستمگری می داند .

اورا صاحب ملک و مال و دارای مقام حکمت (که برخی از مفسران گفته اند

در اینجا منظور نبوت است) می شناسد .

اورا دانائی که علمش از جانب خداست (نه از سوی خلق که کثیرا در آن

خطا دیده می شود) معرفی می کند .

گرچه همه ی این امتیازات ، دلیل عنایت الهی نسبت به این رسول خدا

است . لکن آنچه که بیش از همه ی آن فضایل ، در این آیه جلب توجه می کند ، و در

مقابل تهمتهای ناجوانمردانه ی عهد عتیق ، به داود سیما ی ضد ستمگری می دهد ،

مجاهدت و قیام او است علیه فساد و بهداشتگری که رهبری آن را ستمگر و مفسدی چون

" جالوت " به عهدہ داشت ، و این نقش رزمندگی داود ، در صدر و ذیل همین یک آیه

مورد تاکید قرار گرفته است .

آیا داودی که با جالوت یعنی پرچمدار ستمگران مبارزه می کند و با هر نوع

فساد و هر فاسدی سرستیز دارد ، ممکن است خود انسانی فاسد و متجاوز باشد ؟^۷

۲- وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مَنَافِضًا بِأَجْبَالٍ أَوْسَىٰ مَعَهُ وَالطَّيْرَ بِأَنَّ لَهُ الْهَبْدِيدَ .^۸

بقیه در صفحه ۶۷

یک تذکر لازم

همانطور که بارها در مجله تذکر داده ایم ، هر روز ، نامه های فراوانی به دفتر

این مجله می رسد که قسمت قابل توجهی از آنها شامل سئوالات و مشکلات خوانندگان

محترم است که با هیئت تحریریه در میان گذاشته اند . بعضی از این نامه ها متأسفانه

فاقد نام و نشانی کامل است و بهمین دلیل نمی توانیم پاسخ آنها را بنویسیم .

اینک از عموم خوانندگان محترم تقاضایم شود نام و نام خانوادگی و نشانی

کامل خود را در نامه بنویسند و اطمینان داشته باشند که اگر بخواهند ، اسم آنها

محفوظ خواهد ماند .

۷- تفصیل داستان مبارزه داود را با ستمگر عصرش جالوت که پیشوای هر حرکت ضد

انسانی بود در تفسیر مجمع البیان ذیل آیه مورد بحث مطالعه فرمائید .

۸- سوره سباء آیه ۱۰

فراوانی که پیرامون عظمت، عصمت و رسالت این فرستاده‌ی خدا در کتاب آسمانی اسلام آمده است دو آیه زیر را تحلیل و عنوان می‌کنیم تا سیمای تابناک این خلیفه^۶ خدا از دیدگاه تعالیم اسلامی به خوبی روشن شود.

۱- "... وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ آتَاهُ الْمَلِكُ وَالْحِكْمَةَ وَ عِلْمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَ لَوْلَا دَفَعَهُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ. " یعنی داود جالوت را کشت، و خداوند به او ملک و حکمت بخشید و آنچه می‌خواست به او آموخت. اگر خدا بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد (نابود سعی ساخت) زمین فاسد و تباه می‌شد (از فساد پر می‌گشت) ولی خدا نسبت بسه جهانیان صاحب‌کرم و بخشنده است.

هنگامیکه درست در این آیات دقت کنیم می‌بینیم خداوند چند فضیلت بزرگ و امتیاز عالی به داود عنایت فرموده است.

اورا انسانی مبارز و رزمنده باجبهه کفر و ستمگری می‌داند.

اورا صاحب ملک و مال و دارای مقام حکمت (که برخی از مفسران گفته‌اند در اینجا منظور نبوت است) می‌شناسد.

اورا دانائی که علمش از جانب خداست (نه از سوی خلق که کثیرا در آن خطا دیده می‌شود) معرفی می‌کند.

گرچه همه‌ی این امتیازات، دلیل عنایت الهی نسبت به این رسول خدا

است. لکن آنچه که بیش از همه‌ی آن فضايل، در این آیه جلب توجه می‌کند، و در مقابل تهنتهای ناجوانمردانه‌ی عهد عتیق، به داود سیمای ضد ستمگری می‌دهد، مجاهدت و پیام او است علیه فساد و بیدادگری که رهبری آن را ستمگر و مفسدی چون "جالوت" به‌عهده داشت، و این نقش رزمندگی داود، در صدر و ذیل همین یک آیه مورد تاکید قرار گرفته است.

آیا داودی که با جالوت یعنی پرچمدار ستمگران مبارزه می‌کند و با هر نوع

فساد و هر فاسدی سرستیز دارد، ممکن است خود انسانی فاسد و متجاوز باشد؟^۷

۲- وَ لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنْ أَفْضَلِنَا مَا يَشَاءُ أَوْبَىٰ مَعَهُ وَالطَّيْرُ وَالنَّارُ لَهُ الْحَدِيدُ.^۸

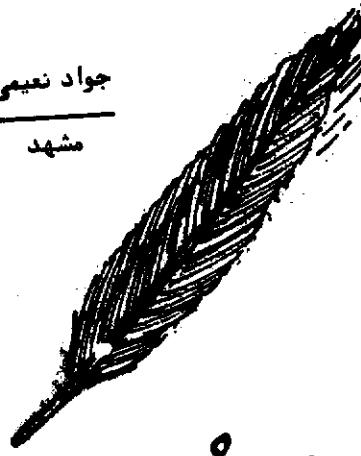
بقیه در صفحه ۶۷

۷- تفصیل داستان مبارزه داود را با ستمگر عصرش جالوت که پیشوای هر حرکت ضد انسانی بود در تفسیر مجمع البیان ذیل آیه مورد بحث مطالعه فرمائید.

۸- سوره سباء آیه ۱۵

جواد نعیمی

مشهد



به یاد کمیت

شاعر شجاع اسلام

آه ای کمیت!
تو در جهاد شعر، به روی ستمگران
شمشیر واژه‌های خودت را کشیده‌ای
آشفته‌ای، زدیدن بیداد و کجروی
باظلمت زمانه، تو پیگار کرده‌ای

xxxxxxx

آه، ای کمیت
فریاد شعر تو، این جاودانه‌ها
از پشت پرده‌های قرون گذشته نیز
برگوشم آشناست
من در نگاه شعر تو، این واژه‌های پاک
شهادت تعهد مردانه دیده‌ام

xxxx

آه ای کمیت!
من لمس می‌کنم اندیشه‌ی ترا
در شعر تو رسالت حرف است پایدار
در پایداری تو هدفها نشسته است،
چون بلبل‌ی به سخانه‌ی گل، در بهارها
در هر کدام نغزتو، من خود چشیده‌ام
در هر تموج حرفی که گفته‌ای
در هر تبلور آن دانه‌های شعر
سیال جاودانه هدفداری ترا

xxxxx

آه ای کمیت!
از ما به تو سلام، از ما به تو درود
تو از سلاله‌ی پاک شرافتی
تو زاده‌ی هدف و استقامتی
تو رهرو حقیقت و راه فضیلتی
قدر تو ناشناخته مانده است، تا هنوز

xxxxx

آه ای کمیت!
آن ناله‌های خون تو، در بند بند شعر
با سرخی شجارت با شجاعت تو، به جنگ
با سپهره‌ی امید به حال سلام و صلح
ایمان آهنین تو، ای گاش تا که بود



علی اکبر صادقی (رشاد)

این نسل پرخروش...
 گل‌های کاغذین تورا ای فرنگ مست
 ... دیگر نمیخورد
 با بو و رنگ بی نوسان و تقلبی
 آوای رویش گلبوته‌های تو
 دیگر ، بگوش شوق خروشان ، نمیرسد .
 بن‌ها و ریشه‌هاش
 در عمق خاک قلب جوانها نمیدود .
 انبوه جنگل مصنوعی تورا
 باران خشم و نفرت ما ...
 خیس کرده است .
 "گادوی ایسم‌ها"ی خطه تو در دیار ما
 مصرف نمی‌شود
 بشکست رونق بازاریت ای فرنگ
 برق نگاه ما ...
 از چینه‌های دور افق‌ها گذشته است .
 رگهای خانه خورشید ، می‌طپد
 دیگر سپیده است .
 اسلام ... فجر سرخ خود آغاز کرده است
 با جوشهای تازه این سرو دیر سال
 در قلب صخره‌های سیاه مال تو
 افکنده بس شکاف
 دیگر طبکشان تبهکار خویش را
 زی خود فرا بخوان .
 گل‌های کاغذین و مقوائی تورا
 دیگر نمی‌خورد ... این نسل تازه جوش ...



سرمشق مجتمع ما و توده‌ها
 بیداری و صلابت اندیشه ترا
 می‌ریخت در پیاالی چشمان خواب ما!

XXXX

آه ای گمیت

اینک دریغ و درد اینک فسوس و آه!
 دیگر تو تیسستی که بگوشی به شعر خویش
 باید چگونه زیست؟

باید چگونه ماند؟

باید چگونه رفت؟؟

XXXX

آه ای گمیت!

ولی نه ، تو زنده‌ای

در راه زندگی ردپای توهست باز

یادتو ، تاهمیشه در این قلبها بجاست

ای گاش شاعر امروز ، همچو تو

باطرح باهدفی شعر می‌نوشت

XXXX

آه ای گمیت!

اکنون جوانه‌های شعر تو ، ای گاش تاگه باز

در پهنه گویر دل شاعر ، این زمان

نوغنچه‌ی رسالت خود آورد به یاد

XXXX

آه ای گمیت

از بستر زمین و از این معبد بزرگ

از ما به تو درود ، از ما به تو سلام

بر خوشه‌های فکر تو ، صد بوسه‌ها نثار



علل سقوط حکومت مسلمانان در اسپانیا

در بخش نخست این مقاله خواندیم که :

اسپانیا (اندلس) این سرزمین زیبا و خرم ، که در آخرین قسمت اروپا واقع شده ، به تصرف مسلمانان درآمد و در پرتو نفوذ اسلام ، تمدن شکوفا و کشوری مرفه و آباد ، در این سرزمین به وجود آمد .
 مسیحیان که از نفوذ اسلام در این سرزمین ، سخت خشمگین بودند ، در جستجوی راهی بودند که مسلمانان را از این کشور بیرون کنند . . .
 و اینک دنباله مطلب :



" لوآر " وادار به عقب نشینی کند و آنها را تا آنطرف جبال پیرنه بعقب برگرداند .

تصمیم خطرناک !

بلاخره کلیسای آن روز تصمیم خود را گرفت و فوری ترین و کوتاه ترین اقدامی که نمود این بود که " شارلمانی " را به سلطنت مفتخر نمود . پاپ بدست خود تاج بر سر او نهاد و او را بمقابله با مسلمانان (کفار) فرستاد در نتیجه قوای مذهبی و ملی اروپا به دنبال قوای دولتی شارلمانی حرکت کرد و روی همین اصل بود که توانست مسلمانان را در کنار نهر

اما کوههای زمخت و سرسخت پیرنه این سنگر طبیعی و نیروی قوی مسلمانان اجازه نداد که بیشتر بیایند ولی در آنوقت اصرار بر جنگ نیز بیهوده بود زیرا مسلمانان قوی بودند و حملات آنها را بسختی جواب میگفتند ، میبایست کار را از داخل شروع کنند ، میبایست نقشه را در میان خود مسلمانان عملی نمایند و آخر هم کار خود را کردند در

اینجا زمامداران مسیحی با نقشه‌ای که با " براق بن عمار " افسر خائن مسلمین کشیدند توانستند مسلمین را از خاک اندلس بیرون کنند نقشه‌ها این قرار بود که روزی زمامداران مسیحی به براق بن عمار سردار خائن مسلمین گفتند که تو باید برای اخراج مسلمین به ما کمک و مساعدت نمایی . براق بن عمار ، افسر خائن مسلمین در پاسخ گفت : شیر را جز با مکر و حیله نتوان شکار نمود و آهن را جز با آهن نتوان کوبید ، نخست بایست حس فداکاری و دینداری و شجاعت را در مسلمانها کوبید و آنگاه آنها را از پای درآورد .

زمامداران مسیحی گفتند : بنا بر این برای اخراج آنان از خاک اندلس چه باید کرد ؟ براق بن عمار خیانت کار گفت : در مرحله اول دین مسیح را آزادانه در بین آنان انتشار دهید و اگر چه این موضوع موجب نخواهد شد که مسلمانی بکیش مسیح درآید ولی این فایده را در بر دارد که جوانان مسلمان را در دین خود لاپالایی و متزلزل سازد و در مرحله دوم امتیاز باز کردن مدارس مجانی را در کشور مسلمین از دولت آنها بگیرید زیرا مسلمین خود به علت مشغول بودن بعیاشی و شهوترانی دیگر به تعلیم و تعلم علوم کمتر می پردازند و شما با افتتاح مدارس و داخل نمودن معلمین و آموزگاران مسیحی در میان آنها جوانان مسلمین را در برابر خود خاضع کرده و با آن

روح حق شناسی که مسلمانان در برابر معلم و استاد دارند برای شما تفوق و امتیازی برخوردار قائل می شوند و در مرحله سوم روابط تجاری خود را با مسلمین توسعه دهید تا بدین وسیله در اثر رفت و آمد با آنان هم روحیه دینی آنها را تضعیف کنید و هم اینکه شاید بتوانید مشروبات الکلی را در بین آنان رواج داده و آنها را بشراب آن معتاد سازید و در این صورت تحقیقا کارهای لشکری و کشوری آنها درهم پاشیده شده ، آن وقت است که می توانید آنها را مانند گوسفند برانید و مانند خرگوش شکار کنید زمامداران مسیحی که در واقع از روح شجاعت و دلوری مسلمین سخت بیمناک بودند با شنیدن راهنمایی براق بن عمار سخت مسرور گردیدند و فرمای آن روز صلحنامه ای بانضمام آن سه عملی که براق دستور داده بود نوشته شد و برای " مالک بن عباد " که خود را برای جنگ با ملل اروپا و مسیحی آماده می نمود فرستاده شد ، وی با دریافت پیشنهاد صلح استانداران خود را احضار کرده در باره پیشنهاد صلح و انجام آن سه موضوع ، با آنان به شور پرداخت استانداران تن پرور و عیاش همگی به صلح رضایت دادند و تنها در بین آنان " قیس بن مصعب " استاندار بیدار و عاقبت اندیش ، اعلام مخالفت نمود ولی چون در اقلیت بود به مخالفتش توجهی نشد و لذا



نزول خواران سرفه‌امی و جاگوش

و بدهکار بیچاره‌ای را جلوی خورشید کباب نمی‌کردند ولی امروز در شهر ۵ میلیون نفری ما (تهران) نزول خواری به صورت یک کسب علنی درآمد است، در سطح شهر مخصوصا خیابان‌های شمالی ده‌ها بنگاه با نام معمول، شرکت‌هایی که اساسا از نظر کار اصلی وجود خارجی ندارند بکار نزول خواری و واسطه‌گی نزول مشغولند این به اصطلاح شرکت‌ها معمولا توسط جوانها اداره می‌شوند

روزگاری بود که نزول خواری در اجتماع ما مذموم و بد شمرده می‌شد، از نظر دین و اخلاق جزو گناهان کبیره بود. نزول خواران معدود بودند، حتی الامکان در خفا به کار خود ادامه می‌دادند، در معامله دادن پول، انصاف را رعایت میکردند و اگر تاخیری در پرداخت دین از جانب بدهکار بوجود می‌آمد، زیاد سخت نمیکرفتند

امضاء بکند .

بهره‌های دیر کرد و حق‌القدم مامورین وصول نیز طوری است که غالباً وقتی یک کارمند بر اثر اجبار و یا حوادث گوناگون زندگی مجبور به قرض‌شد و گرفتار این حضرات گردید ، دیگر راه برگشت ندارد .
 یا باید با تیغه چاقو و آبروریزی مامورین وصول شرکت و دست‌آخ‌ر زندان بسازد یا تا آخرین شاهی هستی‌اش را برای مدت‌ها بدهد . من شخصاً یکی از این قربانیان را می‌شناسم که نه تنها سرمایه ۲۰۰ هزار تومانی خود را از دست داد بلکه هم اکنون ۲۵۰ هزار تومان هم بدهکار است .

این مسأله نیز گفتنی است که در پشت سر این (شرکت‌ها) صدها نزول‌خوار پنهانی وجود دارند که پولشان توسط آنها به نزول گذاشته می‌شود . این افراد ، غالباً کسبه ، بعضی از آنها از تجار و بعضی ، از بازنشستگان پولدار لشگری و کشوری هستند .
 مسأله گفتنی دیگر درآمد این شرکت‌هاست که تاروژی ۵۰ هزار تومان می‌رسد ، زیرا هر وام‌گیرنده برای هر وام عادی مبلغ ۲ هزار تومان باید به این شرکت‌ها کمیسیون بپردازد (البته در وام‌های بزرگتر این کمیسیون چند برابر است) در روز می‌شود که این حضرات ۲۵ تا ۳۰ وام‌گیرنده

بقیه در صفحه ۶۱

جوان‌هایی که باید تولیدکننده باشند
 جوان‌هایی که باید آینده اجتماع ما را بسازند .
 تشکیلات این (شرکت‌ها) غالباً از روی فیلم‌های کانگستری آمریکا درست شده هر کدام دارای محلی وسیع و مناسب ولو کس و انواع سکرترهای آنچنانی هستند ، مامورین وصول آنان معمولاً از چاقوکشان حرفه‌ای انتخاب می‌شوند . البته فردا انتخاب شده هر قدر هیکل دار تر و بدهیبت تر و ترسناک‌تر باشد بهتر است ، زیرا در این شرکت‌ها وصول طلب‌های تاخیر شده با تهدید و ارعاب و آبروریزی صورت می‌گیرد دریافت بهره در این مراکز تابع هیچ‌نوع ضوابط قانونی نیست به نسبت احتیاج وام‌گیرنده تا آنجا که تیفشان ببرد بهره می‌گیرند ولی بطور معمول مجموع بهره و کمیسیون ۱۵۰ در صد است بدین معنی که وقتی کارمندی ۹ هزار تومان وام ۱۰ ماهه می‌گیرد باید ۱۰ چک ۱۵۰۰ تومانی ماهانه بپردازد ، اگر راس مدت را بگیریم این کارمند بینوا برای ۹ هزار تومان وام ۵ ماهه ۶ هزار تومان نزول پرداخته است ضمناً این کارمند برای دریافت این وام ۱۰ برگ چک ۱۵۰۰ تومانی تاریخ دار ، یکبرگ چک ۱۵ هزار تومانی بدون تاریخ و ۱۰ برگ سفته ۱۵۰۰ تومانی باید بدهد ، یعنی برای دریافت ۹ هزار تومان وام باید ۴۵ هزار تومان سند

کشوری که

- ★ درچین پسران و دختران قبل از ازدواج دست نخورد مانند ...
- ★ در این کشور همجنس بازی وجود ندارد .
- ★ درچین از دانسینگ و رقص خانه و مراکز فساد خبری نیست ، و جوانانش به تحصیل و کار می اندیشند .

بی بندوباری جنسی را حل کرده است

می شد و فرصتی برای جلوتر رفتن و معاشرت باقی نمی گذاشت .

با وجود این محیطی که برای هیجانانگیز جوانی چندان مساعد نبود ، جوانان ، که خیلی علاقمند به لحظه های رقص بودند ، کارهای خود را فراموش می کردند به طوریکه مقامات چینی ابتدا فواصل این دیدارها را زیاد و سپس یکسره آنرا حذف کردند . دانسینگ های به شیوه غرب نیز در اوایل انقلاب چین تحمل می شد زیرا در آنوقت شهرت داشت که " چوئن لای " خیلی خوب " فوکس تروت " می رقصند . بعضی دانسینگ های بزرگ که در آنها دختران جوان زوجهای آموزش رقص

نخستین بار پزشکی به نام " ژرژ والانس " که بخاطر کارهایش در زمینه سکسولوژی شهرتی به دست آورده توانسته است تحقیق دقیقی درباره سکس در چین انجام دهد . حاصل این تحقیق کتابی است به نام " زندگی جنسی درچین " که در اروپا منتشر شده است . مقاله زیر خلاصه ای از آن کتاب است

" ... رقص ، که قبل از هر چیز یک نزدیکی عاشقانه همراه با تماس است ، درچین جایی ندارد . در آغاز انقلاب چین وقتی دست دلالتان ازدواج از مداخله در این کار کوتاه شد ، حزب اقدام به ترتیب دادن شب نشینی های همراه با رقص کرد تا امکان دیداری برای جوانان به وجود آید این شب نشینی های هفتگی یا ماهانه به علت مقررات حکومت نظامی خیلی زود تمام

یک استاد بیماریهای روانی دانشگاه مونرال نتیجه پرسش‌های روانی خود از جوانان چینی پائین ۱۶ سال را منتشر ساخته است. به موجب این تحقیق که در شانگهای شده است این جوانان در خیال خود فقط آرزوی موفقیت در کار یا تحصیل خود دارند " در نزد آنها عشق‌بازی جایی ندارد. به نظر می‌رسد که روابط جنسی قبل از ازدواج اصلاً وجود ندارد.

دختر و پسر باکره‌اند

بکارت دختران مجرد که هنوز مورد توجه است در چین بدون پاداش نیست چرا که پسران مجرد هم به واسطه نبودن فاحشه یا زناکار در حقیقت دارای بکارت هستند اگر در نظر بگیریم که سن ازدواج بالاست به این نتیجه می‌رسیم که چین امروز مرکز تجمع جوانان دست نخورده است. و این دست نخوردگی انبوه عظیم جوانان تاکنون در جهان سابقه نداشته است. چینی‌هایی که بخواهند بدون عقد و ازدواج رسمی خانواده تشکیل دهند مورد پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت. زیرا عمل آنها یک جرم عمومی شناخته می‌شود. در حال حاضر جوانان را از خطر اطفاء شهوت از راه غیر طبیعی سخت‌برحذر

را تشکیل می‌دادند، در حقیقت در ورودی خانه‌های فساد بودند.

دانشجویان خارجی، بنا به گفته دکتر "لابری" آزادند که برای خود جلسات رقصی تشکیل دهند ولی وقتی شروع به اجتماع در این جلسات کردند در لحظه شروع باید افراد چینی را از محفل خود خارج کنند تا آنها از دیدن اینگونه مناظر فاسد نشوند.

توبیخ به خاطر رقص!

در دانشگاه "فودان" در شانگهای یک دانشجوی خارجی خواست از یکی از مراقبان چینی دعوت به رقص کند ولی به جرم کوشش برای "فساد کردن یک تبعه" شرافتمند چینی، به وسیله بلهوسی‌های کاپیتال‌بستی "توبیخ شد"

در جهان امروز اتومبیل یک وسیله عادی برای جمع شدن جنس‌های مختلف است، در چین هیچکس اتومبیل شخصی ندارد، "فقط رانندگان ادارات دولتی و خارجیان حق رانندگی دارند. دوچرخه‌های بیدک‌کش هم که بتوانند تا حدودی کسار اتومبیل را بکنند وجود ندارد تنها کاری که ممکن است این است که مرد جوان همسر خود را به ترک دوچرخه سوار کند و او را به خانه خود و محل زفاف ببرد.

می‌دارند " لوئوپینگ‌چن " می‌گفت که خودش به واسطه اطفاء شهوت از راه غیر طبیعی به ناتوانی جنسی مبتلا شده است در ۱۹۷۴ یک نشریه طبی زیر عنوان " بهداشت و سن بلوغ " در پکن منتشر شد که در آن گفته شده بود که ارضاء جنسی از راه غیر طبیعی سبب تحریک بیفایده مغز شده و باعث بیحالی از دست رفتن حافظه ضعف فکری و بیخوابی می‌شود و قدرت کار انسان را کاهش می‌دهد در ۱۹۵۸ هم نشریه دیگری در شانگهای منتشر شده و زنان را از این عمل بر حذر داشته بود .
در این نشریه گفته شده بود که این کار به سلامت زنان لطمه شدید می‌زند .

خودداری از زیاده‌روی

در جمهوری چین ، نویسندگان مختلفی که جزوه‌هایی ، در باره جلوگیری از بارداری شدن و بهداشت نوشته‌اند همگی حد متوسطی را برای روابط جنسی زن و شوهر در نظر گرفته‌اند که در همه آنها به خودداری از زیاده روی تاکید شده است ، به طوری که در جزوه‌های منتشر شده نزدیکی زن و شوهر بیش از دو بار در هفته توصیه نشده است . این رقم یک تا دو بار نزدیکی که در جزوه های بهداشتی انتشار یافته دیده می‌شود ، به نظر میرسد که حد متوسط روابط فرهنگی

زن و مرد باشد .

در چین همجنس بازی تقریباً بطور مطلق وجود ندارد .

روابط جنسی قبل از ازدواج در نظر آنها زنا محسوب می‌شود . بنابراین برای آنها چنین روابطی وجود ندارد و نامزدها هم ممکن است قبل از عروسی دو سه سال انتظار آن را بکشند .

به نظر میرسد که زندگی جنسی در چین خیلی کم‌آلوده به فساد است . به عقیده پزشکان بیماریهای روانی در شانگهای ، همجنس بازی عملاً وجود ندارد و این به قدری قطعی است که این پزشکان نمی‌دانند آیا قانون مجازاتی هم برایش پیش بینی کرده است یا نه ؟

به عقیده خانم " اوسولیان " انگلیسی ، که از طرفداران معروف جامعه زنان چین است شگفت‌انگیزترین درسی که زنان چینی می‌دهند فقدان مطلق همجنس بازی است .

" در چین کنونی بر حسب تصادفات بسیار نادر اگر موردی از همجنس بازی دیده شود فوراً شخص مرتکب را به سوی موسسات بازآموزی هدایت می‌کنند و اگر این آموزش نتیجه نداد آنوقت اخته کردن طرف پیشنهاد می‌شود .

بقیه در صفحه ۶۲

باز هم رسوائی

تلویزیون

قائم مقام وزیر آموزش و پرورش: وقتی که تلویزیون "بدآموز" باشد، بهترین "معلم" هم نمی تواند کاری کند.

آخرین
پرده های خلاقیت را بپاره کنید

او می گوید فیلم های تلویزیونی اثری مخرب برای کودکان و نوجوانان دارند و با شرایط جامعه امروز ما هماهنگ نیستند اغلب فیلمهای تلویزیونی به کشت و کشتار اختصاص دارد. در برنامه زن و زندگی هم از مجلات خارجی برای زن ایرانی مطالب غریب و دوراز ذهن ترجمه شده پخش می شود. زندگی کولی وار فلان خواننده و ماجرای شوهر دزدی خواننده دیگر هم مهمترین موضوع مطبوعات است بنابراین وسائل ارتباط جمعی که باید "بدآموز" باشند مخرب و بدآموز شده اند این چکیده بحث هائی است

که در میزگرد انجمن اولیاء و مربیان که پیرامون وسائل ارتباط جمعی و تاثیر آن بر خانواده ترتیب یافته بود عنوان شد .

در ابتدای جلسه دکتر آصفی رئیس انجمن اولیاء و مربیان به ضرورت ارزیابی برنامه‌های رادیو تلویزیون و مطبوعات اشاره کرده و گفت؛ مطبوعات و رادیو و تلویزیون چرا ترجمه برابر با اصل نمی‌کنند؟ رادیو تلویزیون و دیگر وسائل ارتباط جمعی برداشتی ایرانی از زندگی ایرانی ندارند

صفی‌نیا قائم مقام وزیر آموزش و پرورش به تضاد بین آموزش از طریق تلویزیون با آموزش از مدرسه اشاره کرد و گفت؛ در حال حاضر وسائل ارتباط جمعی بعنوان یک " معلم " به خانه راه یافته‌اند .

در چنین شرایطی اگر وزارت آموزش و پرورش برای کودکان بهترین معلم را هم فراهم کند ، وقتیکه تلویزیون در خانه بدآموزی می‌دهد کاری از پیش نمی‌تواند ببرد بنابراین در وهله اول باید کاری کرد که وسائل ارتباط جمعی به خدمت " به آموزی " در آیند و چیزی که ما از تلویزیون می‌خواهیم این است که آموزش و پرورش را با توجه به مسایل اجتماعی ، فرهنگی و دینی ما پیاده کند .

معنویات را فراموش کرده‌ایم :

صفی‌نیا سپس افزود در روزنامه‌ها نیز با چاپ و تشریح اخبار جنایی ، راه و روش سرقت را پیش پای بچه‌ها می‌گذارند و در این میان از آگهی‌های گمراه کننده و بدآموز تلویزیون هم نباید غافل بود . بطور کلی وسائل ارتباط جمعی باید به معنویات توجه بیشتری داشته باشند ، چون عاملی که ارکان قرن اخیر را متزلزل کرده است توجه زیاد به ماده است و دور شدن از معنویات . "

دکتر حکمت استاد دانشگاه و مشاور علمی وزارت علوم و آموزش عالی در انجمن اولیاء و مربیان در ادامه همین بحث گفت " متأسفانه یکی از وسائل بدآموزی در کشور ما وسائل ارتباط جمعی هستند . در اینجا لازم است به سهینما اشاره کنیم که مهم‌ترین وسیله تفریح جوانان و پدر و مادرهاست و بزاساس یک آمار تفریحی نیمی از

جوانان ما روزانه به سینما میروند که فیلم‌های مورد علاقه‌شان جاسوسی و جنگی است درحالی که با سمایش راه‌های زندگی در سینما می‌توان بیشترین آموزش را به جوانان داد...

از کیهان شماره ۹۸۴۴

تلویزیون میتواند شمارا بکشد

آیا زیاد نگاه کردن به تلویزیون و مدت طولانی در مقابل آن نشستن می‌تواند برای شما دردهای مختلف به همراه بیاورد و یا سلامتان را بخطر بیندازد؟ حقیقت این است که "پروفسور واکسن" اخیراً بعد از مدت‌ها مطالعه بر روی این مسئله به این نتیجه رسیده است که تماشای تلویزیون خطرات مختلفی را به همراه دارد و بسیاری از پزشکان نیز با وی در این مورد هم عقیده هستند. پروفسور واکسن که از اساتید دانشگاه لوس آنجلس است چنین اظهار داشته است "جای هیچگونه تردید نیست که امواج الکترومغناطیسی که از صفحه تلویزیون می‌گذرد اثر قابل ملاحظه‌ای بر روی ارگانسیم انسانی می‌گذارد این امواج که از طریق تلویزیون یا رادار و یا بسیاری از لوازم برقی منزل فرستاده می‌شود از نوع کوتاه‌است و اولین آثاری که دارد بصورت سردرد و سرگیجه ظاهر می‌شود و موجب پائین آمدن ظرفیت فکری، تغییرات فشار خون، عدم ثبات هیجانات و افزایش تخریب کننده "گلوبول" های سفید می‌گردد.

از این گذشته این امواج بر روی سیستم عصبی تاثیر بسیار بدی می‌گذارند و موجب بیماری‌های مختلف می‌شوند صاحب نظران در امر بهداشت در امر بکانه می‌توانند منکر تاثیر بهداشت رادیویی و اشعه ایکس بر روی جمعیت بشوند و این اشعه‌ها هر روز از طریق مختلف افزایش می‌یابند بطور مثال هر روز بیشتر از روز گذشته ایستگاه‌های فرستنده رادیویی و تلویزیونی ایجاد می‌شود و بر تعداد گیرنده‌های تلویزیون افزوده می‌شود و این خطر بخصوص در شهرهای بزرگ بیشتر مردم را تهدید میکند. سازندگان وسائل ارتباط نظیر رادیو و تلویزیون ناچارند که از این پس این مسئله را بیشتر از پیش رعایت کنند و تا آنجا که ممکن است از افزایش اشعه ایکس و

این امواج رادیویی در محیط زیست انسان جلوگیری بعمل آورند".
نقل از مجله جوانان سال ۱۱ شماره ۵۵۳

بمخاطر میلیونها کودک ایرانی

آیا تلویزیون ملی ایران در اشاعه فرهنگ رسالتی برای خود قائل است؟ ساعت دوونیم بعداز ظهر پنجشنبه ۲۸ بهمن از برنامه دوم تلویزیون ملی ایران یک فیلم باصطلاح سینمایی بنام "کسی را لمس نکردم" پخش شد داستان فیلم درباره زن و شوهری بود. زن چهارماهه حامله بود که شوهرش متوجه می شود دچار بیماری است ناراحت می شود و سراغ دختر بچه ۱۲ ساله‌ای می‌رود که نزدیکی با او را دلیل بیماری خود میدانند و به او اعتراض می‌کند دختر ۱۲ ساله که با سه چهار مرد دیگر رابطه داشته متوجه می‌شود که آن سه چهارتای دیگر را هم مبتلا کرده است. بعد که خانم حامله را آزمایش می‌کنند معلوم می‌شود که بیماری او در مرحله دوم است در حالی که بیماری شوهر در مرحله اول است. یعنی اینکه خانم بیماری را از شوهرش نگرفته و از کس دیگری گرفته است برای تسکین وجدان معذبتش (دلیل عذاب وجدانش را بعد می‌فهمیم) سراغ آن کس دیگر می‌رود و پس از سلام و علیک می‌گوید "چرا بمن نگفتی که سفلیس داشتی؟" . . . از بقیه داستان به علت شرم آور بودن خودداری می‌کنیم و جدا شرم‌آور بود.

این داستان چرند و مزخرف و رسوا را ممکن است یک چرند نویس آمریکایی یا اروپایی از سر شکم سیری و برای پرکردن جیبش نوشته و یک چرند ساز دیگر آن را به اصطلاح بصورت فیلم درآورده و بصورت یک کالا برای فروش عرضه کرده است این فیلم بدون هیچ حساب و کتابی به واحد نمایش تلویزیون ملی ایران رسیده کسی آنرا ندیده تا در مورد صلاحیتش تصمیم بگیرد، دبله شده بازم کسی ندیده و به نمایش عمومی درآمده است شاید هم دیده‌اند و آن را برای نمایش مناسب تشخیص داده‌اند چون بنازگی و بویژه از وقتی که برنامه‌های کانال دوم رنگی شد، از این قبیل شاهکارها فراوان نمایش داده‌اند.

خوب ممکن است یکی پیدا شود و بگوید که هدف از نمایش این فیلمها چیست و اگر آنها را نشان ندهند کجای کار لنگ خواهد شد؟ جز اینکه تصور کنیم که آقایان

مسئولان نمایش اینگونه فیلمها بخاطر اشاعه فحشاء رسالتی برای خود قائلند چه خیال دیگری میتوان کرد؟ آیا فیلم پیام سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و یا پزشکی داشت؟ آیا یک فیلم کم‌دی بود؟ اگر نشانش نمی‌دادند چه میشد؟ درحالیکه فریاد اعتراض آمریکایی‌ها از خشونت و بی‌پروائی فراوان فیلمهای تلویزیونی بلند شده نمایش این اراجیف در اینجا ضروری است؟ آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها که در مسائل جنسی آنقدر پیش رفته اند خود نمی‌خواهند اینهارا ببینند آنوقت ما حتما باید اینهارا ببینیم؟ آیا تلویزیون باید حتما روزی مثلا ده ساعت برنامه داشته باشد و برای پرکردن این ده ساعت مجاز است هر فیلمی را نمایش دهد؟ از وقتی که برنامه‌ها بطور رنگی پخش می‌شود برنامه دوم همه چیز را فدای رنگ کرده‌است و عجب اینجا است که ایس‌ن چرندیات درست روی برنامه اول هم اثر کرده و درست مانند یک بیماری مسـمـری برنامه‌های این کانال را هم به‌ابتدال کشانده است. نمی‌خواهم بگویم که قبل از رنگی شدن برنامه‌ها، برنامه‌های کانال اول و دوم بی‌عیب و نقص بود اما آنوقت هاهفته‌ای دست‌کم دوسه تا فیلم سینمایی بدر دبخور هم نمایش میدادند (چون این‌گونه فیلمها را به عنوان فیلم سینمایی نمایش میدهند فیلم سینمایی را مثال زدم) اما از وقتی که برنامه رنگی شد برنامه دوم که فقط به رنگی بودن فیلمها توجه دارد یکسر به‌ابتدال مطلق کشیده شد و برنامه در واقع دست برنامه دوم را از پشت بست اینطور که پیداست هرکس هر فیلم رنگی تحویل تلویزیون بدهد نمایش داده خواهد شد نه کنترلی نه حسابی نه کتابی نه کوچکترین توجهی به اعتراض‌های مردم اگر فیرا این بود شهر من شیراز، چنگک روزهای زندگی، پیتون پلیس، داستان پلیس، بارتا و... چرا باید پخش می‌شد؟

اگر مجبورند از دوکانال هرروز ۷-۸ ساعت برنامه پخش کنند همان فیلمهای خوب قدیمی (فیلمهای گاری کوپر-گیبل-دبتریش، تریسی، یانگ، پره‌مینجر و والت دیسنی...) را تکرار کنند.

آیا همینقدر که ساعت برنامه پر شود آقایان دیگر مسئولیتی ندارند؟

چه اصراری است که آخرین پرده‌های اخلاقی را هم پاره کنید؟

بهترینست این فیلمها را هم در کنار فیلمهای خاص دیگر در همان محافل

مخصوص خودتان نمایش بدهید و مردم چشم و گوش بسته را به فیض دیدار آنها

نرسانید؟

از کیهان شماره ۱۰۱۰۳

ترجمه رسول بیرقی

اطلاعات جالبی درباره : ستاره های کوچک ، ستاره های فباله دار و شهابها

بودن خود آنهاست . بزرگترین آنها ، قطری به وسعت ۴۸۰ مایل دارد ، و تعداد کثیری شناخته شده که دارای قطری در حدود یک مایل یا در همان حدود است .

چهارتا از بزرگترین آنها در فاصله کوتاه شش ساله ، کشف شده اند .

سیرس (آستروئید بزرگ) در سال ۱۸۰۱ توسط " پیازی " ستاره شناس سیسیلی در " پالمیرو " کشف شده بود . در سال ۱۸۰۲ " البرس " ستاره شناس آلمانی ، پالاس (قطر ۳۰۰ مایل) را کشف کرد و در سال ۱۸۰۴ " هاردینگ " ستاره شناس دیگر آلمانی سومین آستروئید یعنی " جنو " را کشف نمود " البرس " زمانیکه چهارمین آستروئید را یافت توفیق کشف سیاره^۶ دیگری را به دست

منظومه شمسی علاوه بر نه سیاره^۶ بزرگ ، دارای تعداد زیادی ، ستاره کوچکیا " آستروئید " هاست .

اغلب این ستاره ها ، در یک فاصله^۶ بزرگ سیصد و پنجاه مایلی ، بین مدارهای " مارس " و " ژوپیتر " در حرکتند و از این رو سه تا شش سال یک مرتبه ، دور خورشید می گردند . ستاره شناسان ، هزار و پانصد مدار آنها را معین کرده اند ، ولی احتمالا بیش از هزاران عده از آنها وجود دارد که به علت ضعف و کوچکی بیش از حدشان از دید کشف ، بدور مانده اند .

تمام " آستروئیدها " شبیه ستاره های ریز هستند البته نه به آن دلیل که فاصله^۶ زیادی از زمین دارند بلکه به سبب خرد

بدور می‌کشد و درمقا بیسه چندین دنباله بر آنها پیوسته است، ولی چند تا ستاره دنباله دار بزرگ با دنباله یادم‌های کاملاً مشخص و عالی در فضای زمین زیستی ما در دو قرن گذشته دیده شده است، یکی از آنها ستاره دنباله‌دار " هالی " بوده است که در سال ۱۹۱۰ پدیدار شد. دنباله آن نزدیک به ۹۳ میلیون مایل میرسید، این ستاره زمانی در حدود ۷۶ سال بدور خورشید می‌گشت و تا سال ۱۹۸۶ دیگر بچشم دیده نخواهد شد.

ستاره دنباله دار " هالی " جاذبه مخصوصی دارد، برای دیدارهای دیگر از آن قرن‌ها باید بگذرد در دوره‌ای دیگر می‌رود تا یکبار بدور خورشید بگردد، معلوم است که این موضوع با مجموع زمانهای پیدایش آن در گذشته ارتباط دارد. این طریقه احتمالی نخستین بار توسط " ادوندهالی " صورت گرفت. وی دریافت که ستاره‌های دنباله‌دار ۱۵۳۱ و ۱۶۰۷ و ۱۶۸۲ از راهی مشابه رد شده‌اند و احتمال داد که آنها همه یکی بوده و در اصل موضوع یکی است. اوسپس پیشگوئی کرد که این ستاره‌ها در اواخر سال ۱۷۵۸ دوباره ظهور خواهند نمود متأسفانه او در سال ۱۷۴۲ درگذشت ولی ستاره مذکور دوباره روز کریسمس سال ۱۷۵۸ روی به جهانیان باز نمود.

آورد بنام " وستا " بقطر ۱۲۰ مایل، لیکن پنجمین آنها " آستریا " بقطر ۶۰ مایل تا سال ۱۸۴۵ ناشناخته مانده است. آستروئیدهای دیگر کوچکتر از این پنج‌تای دیگر بوده و احتمالاً از قطعه سنگها و فلزات بد شکل حالت گرفته اند. این ستارگان، سیار، وهم چنین عاری از هوا هستند، هیچکدام از آنها به آن حد بزرگ نیست که در سطح خود دارای اتمسفری باشد.

از متعلقات دیگر منظومه خورشیدی ستاره‌های دنباله‌دار هستند اینها گاهی اوقات با شهابهای ثاقب اشتباه می‌شوند ولی در حقیقت کاملاً متفاوت با آنها است. مثلاً شهاب ثاقب بشکل یک باریکه یا خط نورانی ظاهر می‌شود. شهاب در عرض چند لحظه حاصل و معدوم می‌گردد و موجودیت آن مرهون سرعت زیاد یک جسم فلزی کوچک است که از اتمسفر بالای زمین می‌گذرد و سـرخ می‌شود. در مقابل، ستاره‌های دنباله‌دار با اعمال بسیار شگفت‌انگیز قرار دارند که بدور خورشید در یک مدار بیضی شکل بزرگ می‌چرخند آنها مانند سیارات، میلیونها مایل از زمین بدورند.

اغلب ستارگان دنباله دار شبیه ستارگان کرکی هستند حتی زمانی که با تلسکوپ بزرگ آنها را نگاه کنیم تفاوتی نمی‌کنند. این ستاره، هم چنین با حرکت کند خود در فاصله بسیار زیاد در پشت ستاره‌ها خود را



و اگر از دنباله ستاره رد میشدیم ، متحمل هیچ‌گونه اثرات بیماری‌زا نبوده و هیچ‌علامتی مبنی بر اینکه چه بر ما میگردد نمی‌شدیم .

آتش بازی در آسمان

هر چند وقت یکبار رگبارهای فراوان از شهابهای ثاقب بوقوع می‌پیوندند بهر صورت این به آن معنی نیست که زمین با نوک یک ستاره دنباله‌دار تصادم کرده است . در عوض اینها مقادیر زیادی از سنگهای فلزاتی بسا شهابهایی هستند که در داخل فضای سیاره‌ای بحرکت درآمده‌اند و هر زمان که زمینی یک توده از آنها را در بر دارد محوطه مساعد یک نمایش زیبا برای شهابهای ثاقب میگردد ، شهابها که اثر جهشی به شهابهای ثاقب میدهند کاملاً کوچک و در حدود اندازه یک دانه شن و بندرت بزرگتر از یک لوبیا بوده و کاملاً از حرارتی که به سبب گذشتن از هوا حادث می‌گردد ، حالت تبخیری پیدا می‌کنند ، دیگر خیلی بزرگتر از آنها می‌تواند در اتمسفر زمین نفوذ کند . انواع بزرگتر واقعا می‌تواند خسارت هنگفتی به بار آورد . مثلاً یکی از آنها که در سال ۱۹۰۸ در سیریه فرود آمد خود را به قمر زمین برده و گودالی را از درختان جنگلی پر کرد ، اتمسفر زمین به صورت مثل یک حفاظ ایمنی عمل کرده ما بقیه در صفحه ۶۹

در زمانهای نخستین ، قبل از اینکه امکان پیشگویی از برگشت آنها بشود ستارگان دنباله دار معمولاً بمنزله یک علامت اخباری در آسمان بود ، تصور میرفت آنها پیک قحطی بیماری و انقراض حکومت باشند ، پیدایش آنها از نقطه نامعلوم و آویران گشتن شان از سقف آسمان که همیشه از محل بخصوصی نبود ، مردم را وادار به اندیشه می‌کرد حتی در عصر جدید مردمی وجود دارند که هرگاه ستاره دنباله دار فروزانی می‌بینند ، به وحشت می‌افتند و فراموش می‌کنند که این امر موضوعی کاملاً طبیعی بوده و آن عضوی از خانواده بزرگ خورشید است که چندین میلیون مایل دورتر قرار دارد .

بعضی از ستارگان دنباله دار از زمانی که نزدیک خورشید میگردند از آنها دنباله وسیعی بوجود می‌آید . حتی اکنون بزرگترین ستاره‌های دنباله دار خالی از عمل هستند . بنابراین گازهای کمی در دنباله‌های آنها که زمینه ضعیف ستاره‌ای دارد میتوان به آسانی در میان آنها دید ، حتی نوک یا روشن‌ترین قسمت ستاره دنباله دار احتمالاً خالی است و احتمالاً یک توده گازهای اسفنجی و منجمد و تکه‌های آهنی است . اگر زمین با نوک یک ستاره دنباله دار برخورد می‌نمود ما شاهد یک رگبار عظیم از شهابهای ثاقب می‌شدیم

جامعه‌ای

از میان

جامعه‌ای

عطف به مقاله " اندوخته های

جاویدان یا همکاریه‌های اسلامی " شماره ۷

سال ۱۷ مجله مکتب اسلام در پی آن بودم

که رساله‌ای مختصر ولی جامع در مورد تجلی

شکوهمند یک سنت اسلامی (صندوقهای

قرض الحسنه) در جامعه امروزی ایران

فراهم بیاورم که چاپ آن مقاله در اینمورد

مرا از فکر تهیه آن منصرف کرد ولی لازم

دیدم پاره‌ای از نکات را در این مورد یادآور

گردم

۱- صندوقهای قرض الحسنه

مؤسسات صد در صد اسلامی هستند که در

بیشتر شهرهای ایران تأسیس یافته و سخت

مورد استقبال مسلمانان قرار گرفته است و

استقبال بی شائبه مردم به هر وسیله ممکن

نسبت به این امر شاهد گویایی از بیداری
و آگاهی مسلمانان است .

بوجود آمدن مؤسساتی که

تثویبها و ایده‌شلوژی‌های اسلام را به مرحله

عمل درآورد پرکردن خلاءهایی است که تا

حدود زیادی باعث معرفی شدن آنچنانی

اسلام به دنیا بود و در میان دهها موسسه

اسلامی دیگر صندوقهای قرض الحسنه هم

بکار خود ادامه داده و به معرفی عملی

گوشه‌ای از برنامه‌های اسلام پرداخته و گامی

بلند در راه اصلاح جامعه و آسایش بندگان

خدا برداشته است .

۲- راه سرپا نگهداشتن صندوقها اکنون که این صندوقها پا گرفته اند چه کسانی باید این موسسات اسلامی را سرپا نگه دارند تا بتوانند به حیات خود ادامه دهند بدیهی است که اینکار بر عهده مسلمانان است. مسلمانان باید نیروی انسانی و فکری و مالی اینگونه مؤسسات را تامین کرده و از این راه حمایت خود را اعلام دارند. صندوق های قرض الحسنه در بدو تاسیس با سرمایه ای شروع به کار می کنند و چون موسسه ای تجارتي نیست و بهره وری مالی برای خود ندارد بنابراین سرمایه اش در مقابل کثرت مراجعین برای اخذ وام چقدر می تواند جوابگو باشد؟ وظیفه ای که مسلمانان دارند این است که پس اندازهای هر چند ناچیز در این صندوقها ذخیره بکنند و این یک وظیفه ای شاق و غیر عملی نیست. هر فرد مسلمانی که پس اندازی کم یا زیاد دارد چرا نباید در این صندوقها پس انداز کند؟ البته اجباری در کار دین نیست و مسلمانان، آزاد و صاحب اختیار هستند.

آری برای مسلمانانی که به عالم آخرت ایمان دارند و از لطف پروردگار خویش در صراط مستقیم گام برمی دارند، چه خدمتی بهتر از این، خدمت انسانی و چه سعادت بزرگتر از این که انسان با خدا طرف معامله شود که تجارت با خدا بهترین

و پرسودترین تجارت هاست.

۳- وظائف اسلامی کارمندان صندوقها صندوق باید توجه داشته باشد که امروز به نام یک موسسه اسلامی شناخته می شود پس باید سخت مواظب روابط خود با مردم باشد که انتظاراتی از موسسات اسلامی متصور است که شاید از دیگران نباشد تئوریها و برنامه های اسلامی که بقول معروف سالها در دل مردم قند آب می کرد حالا باید نسخه را برابر اصل ببینند یا سازمان اداری و مسائل دیگر صندوق کار نداریم توجه ما به روابط عمومی آن است که مستقیماً با مردم رابطه دارند.

کارمندان صندوق باید از هر جهت آراسته و پیراسته و مقید به اصول اخلاقی اسلام باشند. خوش برخورد و مهربان و راهنما باشند مردم را بی خود معطل نکنند کار امروز را به فردا نیفکنند ناراحتی های شخصی خود را در کارهای اداری دخالت ندهند و به محض احساس ناراحتی و گرفتاری تا برطرف شدن آن به کار مشغول نباشند، خلاصه رفتار و کردار کارکنان اثر به سزا و غیر قابل انکاری در وجهی عمومی صندوق خواهد داشت و گاهی پیش می آید که صندوق در اثر کثرت مراجعین نمی تواند تا مدتی وام تازه بدهد در اینصورت باید خیلی بقیه در صفحه ۶۳

بقیه نزول خواران ...

داشته باشند این واسطه‌های نزول خوار با کمال آزادی کار شریف! خود را تبلیغ می‌کنند ، البته شرکده‌های دیگر هم در کار این جماعت هست که بحث آن در این مقال نمی‌گنجد چه بسا خانواده‌هایی که در این راه توسط این شرکت‌ها از هستی ساقط شده‌اند و چه بسا افرادی که محکومند سالها تمام دسترنج خود را بحیب این واسطه‌های نزول خواری بریزند ، در هوش اداره‌کنندگان این شرکتها از زندگی مجللی برخوردارند کاباره‌های درجه اول ، مسافرت‌های منظم خارج و ده‌ها زیاده روی و زیاده طلبی دیگر از خصوصیات زندگی این گروه است .

(تلخیص از کیهان شماره ۱۰۲۸۳)

بقیه آیا تقیه در تعالیم اسلام

اما نکته‌ای که ذکر آن به هر حال در اینجا ضروری است این است که چنان نیست که تقیه (به مفهوم وسیع کلمه) همه جا واجب باشد بلکه گاهی رسماً حرام و گناه کبیره است ، همانطور که ممکن است در مواردی مباح یا مستحب یا مکروه باشد که شرح آن را در بحثهای آینده خواهیم دانست .

و نیز خواهیم دید که چگونه استفاده پیامبر اسلام ص در سالهای نخستین دعوتش از روش تقیه ، به مسلمانان امکان داد که دور از چشم دشمن به صورت نیروی موثر و پر قدرتی درآیند که درهم شکستن آنها به آسانی ممکن نباشد و سرانجام با همین تاکتیک بردشمن سرسخت زورگو پیروز گشت .

بقیه دارد

بقیه در خواست فرزند صالح علمی گام‌های بلندی در این راه برداشته‌اند . رهبران عالیقدر اسلام و پیشوایان مذهبی ما از ۱۴ قرن پیش ، با دادن دستورات لازم و ارشاد و راهنمایی‌های سودمند با پرورش دادن کودکان و فرزندان خود ، گام موثرتری در این راه برداشته‌اند . اگر دانشمندان روانشناسی ، استادان آموزش و پرورش ، برنامه‌های تربیتی خود را از دورانی شروع می‌کنند که کودک چشم و گوش خود را باز کرده ، در آستانه چیزفهمی قرار می‌گیرد ، ولی اسلام برنامه وسیع خود را برای تحقق یافتن سعادت کودک ، پیش از انعقاد نطفه او آغاز می‌نماید ، زیرا اسلام در باره پیوند زناشویی ، دستورات کافی و لازم دارد و در پیوند زناشویی ، به کلیه جهات توجه نموده و از ازدواج با دیوانگان و ابلهان و میگساران به شدت جلوگیری نموده و در انتخاب همسر به ریشه خانوادگی و شرافت موروثی اهمیت فوق‌العاده داده است . ●

بقیه کشوری که بی‌بندوباری جنسی ...

در اوایل انقلاب چین مردانی در تقارن‌ها به نقش زن ظاهر می‌شدند بعد از انقلاب آنها را از تاتر بیرون کردند . بدترین ناسزا در چین کنونی کلمه همجنس باز است ."

تلخیص از یکی از روزنامه‌های صبح‌تهران
شماره‌های ۷۶۵-۷۶۷

مکتب اسلام

تلخیص و نقل این مقاله ، به مفهوم تایید همهٔ اوضاع موجود در چین نیست . آنچه مهم است اینست که می‌توان در دنیای پرفساد کنونی هم ، اگر خواسته شود ، نظم و انضباطی بوجود آورد حتی در اموری که خیال می‌شود نمی‌توان تحت نظارت درآید و در نتیجه از آلودگیهای فراوانی که گمان می‌کنند جزء ضرورت زندگی کنونی است جلوگیری بعمل آورد و اپکاش که احکام اسلامی خود ما در این زمینه اجرا می‌شد و از هرگونه فسادی جلوگیری بعمل می‌آمد . . . اپکاش ...

بقیه اعتیادهای خطرناک ...

می‌شمارد از اینرو تریاک و مواد مخدر و دخانیاتی که ضرر مسلم داشته باشد حرام و مرتکب آن به کیفر الهی نیز خواهد رسید . . . هرگز گرد چنین اعمالی باز نخواهد گشت و از سوی دیگر با تشویق به فعالیتهای اصیل و سازنده و نشان دادن فعالیتهای دیگران و بیدار ساختن روح انسان دوستی و برادری و با از میان بردن عوامل تخریبی و فسادمانندارتباط با محیطهای فساد و معاشرتهای ناسالم و با تشویق به مطالعه و کتاب و سرگرمیهای سالم و سازنده با آن مبارزه کرد

و اگر واقعا می‌خواهیم با ریشه اعتیاد مبارزه کنیم باید از ورود مواد مخدر به کشور جلوگیری جدی کنیم و اگر وضع به این منوال باشد نیروهای فعالهٔ کشور روز به روز به اسارت این دام‌های خطرناک خواهند افتاد اسارتی که پائانش فنا و نابودی و از بین رفتن سرمایه‌های معنوی و ملی خواهد بود و دیگر آنروز داد و فریاد و کوششها ثمری نخواهد داشت .



بقیه سیروز کبدی

که الکل را ترک کرده است مجدداً مشروب

بخورد این مشروب برای وی کشنده خواهد بود.

بطور خلاصه هرچه مقدار مصرف روزانه الکل بیشتر و هرچه طول مدت مصرف آن زیادتر باشد بهمان نسبت آزردهگی های کبدی نیز بیشتر خواهد شد.

چون و چرا آن را ترک کند. دکتر "جرالد کلات اسکین"^۷ که یک متخصص و پژوهشگر

سیروزهای کبدی در بیمارستان عمومی

" ماساچوست "^۸ است ۲۸۳ نفر مبتلا به سیروز را تحت نظر قرار داد و ملاحظه نمود

کسانی که الکل را ترک نمودند بیش از دیگران عمر کردند. ۶۰ درصد از آنها که مشروب

را کاملاً ترک کرده بودند در آفر ۵ سال همه شان زنده بودند در صورتیکه بقیه که ترک

نکرده بودند همه مرده بودند. اصولاً کسانی که مشروب را ترک کرده بودند وضع شان ثابت

مانده بود و بدتر نشده بود.

مطلبی که خیلی قابل توجه است

این است که اگر کسی در اثر الکل دچار سیروز شود و الکل را ترک کند عمر وی از

سیروزبهای غیر الکی بیشتر خواهد شد و مطلب قابل توجه دیگر اینکه اگر چنین کسی

۱- نقل از مجله Today's Health
چاپ آمریکا فوریه ۱۹۷۰

۲- Milton Terrist

۳- Methionine, Choline

۴- Charles

۵- Rubin

۶- Ethanol

۷- Acite

۸- Massachusetts Gerald-
Klatskin'

بقیه نامه‌ای از میان نامه‌ها

قسمتی را که مستقیماً با مردم تماس دات‌داز هر نظر به یک روش اسلامی روشنفکرانه و مطابق خواسته و نیازهای روز زینت دهند و کارمندان خود را از میان کسانی انتخاب کنند که روح و شعار صندوق را با تمام وجود درک کرده باشند.

بها امید موفقیت‌های بیشتر.

با ملایمت و توضیح کامل به مراجعین جواب بگویند و مواظب باشند تا دشمن نتراشند که علاوه بر آنکه نسبت به صندوق و موسسات مشابه بدبین خواهند شد بیم آن می‌رود که دیگران را نیز بدبین بار آورد.

یکبار دیگر از هیئت‌های مدیره

صندوق‌ها تقاضا می‌شود کوشش بفرمایند

چنانکه درباره " مازیار " می نویسند " او با عجله بجمع خراج پرداخت و خراج یکسال را در دو ماه بزور و فشار از مردم ستاند^۶ کار ظلم و بیداد و استخفاف در این میان به نهایت رسید " درهمه مالک کسی را نگذاشت که به معیشت و عمارت ضیاع خود مشغول شوند الا همه از برای او بقلعهها و قصرها و خندق ها زدن و کارگل کردن گرفتار بودند .^۷

بنابراین نمی توان گفت انگیزه همه آنها رهائی از یوغ گران عرب بود و قیام آنها محرکی جز وطنخواهی و غیرت ملی نداشت .

XXXXXX

اکنون باید دید آن روز در ایران اسلامی ، چه شرایط و اوضاعی پیش آمده بود که ، زمینه این چنین قیامهایی فراهم شده بود ، مسلم علتی وجود داشت که بی دربی در نقاط مختلف ایران خصوصا خراسان فتنه بپا میشد ، پس می توان گفت این نهضت ها درمین اینکه هر کدام سیمائی جداگانه دارد ، از یکنوع وحدت وجوه مشترک نیز برخوردار بودند .

مثلا فرض کنیم در محلی^۸ باتلاقی باعث نشو و نمای میکربهای امراض مختلف باشد و افراد مختلف در اثر این میکربها دچار بیماری گردند ، اینجا ولو اینکه هرکس ممکن است به یکنوع بیماری مبتلا شود و میکرب مرض هرکس مخصوص آن مرض باشد که او گرفتار شده است ولی در جمع قضیه همان باتلاق عامل بروز و پیدایش این میکربها و بیماریها شده است .

درواقع ظلم و تبعیض و بیدادی که از جانب امویان و عباسیان بر ایرانیان وارد می آمد خود برای ایجاد روح عصیان و تمرد در مردم کفایت می کرد ، محرومی و نارضائی ، مردم را همواره آماده درکشی می نمود .

در دوران " بنی امیه " تعصب عربی و عقیده ی سخیف برتری نژادی که با آئین پاک اسلام مغایرت داشت پایه گزاری گردید و این سیاست تحقیر آمیز و خشن که بنی امیه در رفتار با موالی (مسلمانان غیر عرب) بکار می بردند عموم مسلمانان غیر عرب از آن نفرت داشتند و از موارد تجلی این نفرت سخنان شعوبیه بود که طعنه های سخت آنها در حق عرب در واقع عکس العمل بود در مقابل سیاست تحریک آمیز بنی امیه

←

۶- ابن اثیر ج ۶ ص ۱۶۸

۷- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۲۱۱

و بی شک همین نفرت از بنی امیه و رنجش از تبعیض و تعدی آنها بود که سبب شد، تمام نهضت‌هایی که از جانب بنی هاشم بر ضد بنی امیه بوقوع می‌پیوست مانند قیام مختار ثقفی، خروج زید بن علی، خروج یحیی بن زید، و امثال آنها، همه طرفداران و هواخواهانی در بین ایرانیها یافت که غالباً به سبب نفرت از بنی امیه به این نهضت‌های پیوستند.

همین ناراضی بودن توده مردم ایران از وضع دولت اموی، زمینه را برای نهضت‌ها و قیام‌های محلی فراهم ساخته بود و هرکس هر مرام و عقیده‌ای که داشت از این موقعیت استفاده می‌کرد برای پیشبرد هدف خود دست به اقداماتی می‌زد، همین شرایط فرصت‌های مناسبی برای قیام‌های مسلحانه و ایجاد آشوب و فتنه در اختیار افراد ماجراجو و مدعیان رسالت و مهدویت قرار میداد.

xxxxxx

مردم ایران که اسلام را شناخته بودند و بهترین نمونه حکومت دلخواه اسلامی را در حکومت علی (ع) دیده بودند، از جان و دل از اسلام دفاع می‌کردند و با بنی امیه که گستاخانه آئین پاک خدائی را زیر پا گذاشته بودند، سخت مبارزه می‌نمودند، ایرانی حساب اسلام را از اعراب بنی امیه جدا کرده، مبارزه با حکومت غصبی و غیر اسلامی جباران اموی را وظیفه دینی و ملی خود می‌دانست.

در هر حال نفرت و کینه‌یی که ایرانیان نسبت به عرب اموی داشتند آنان را در هر جریانی که رنگ شورش و عصیان بر ضد خلفاء داشت، وارد می‌کرد، آنان کاملاً مترصد بودند که ببینند رهبران نهضت‌ها چه هدفی دارند، اگر هدفشان اسلام و یاری مسلمین و برانداختن حکام ظالم و ستمگر اموی و عباسی بود، از آن حمایت می‌کردند و اگر می‌دیدند قصد تخریب اسلام و ادعای دیگری دارند، دورشان را خالی می‌کردند مثلاً خروج "بهافرید" و "سنباد" "استاد سیس" و "مقنع" قیام‌هایی بود که بیش و کم یک چند لشکر و عمال خلفاء را در زحمت انداخت اما این نهضت‌ها، به سبب آنکه مورد پشتیبانی مسلمین و موافق اسلام نبود، توفیق نیافت و در واقع هدف عمده اینگونه نهضت‌ها برانداختن حکومت و مبارزه با اسلام بود، قیام بابک خرم دین نیز نزدیک ۲۲ سال در آذربایجان تسلط داشت و در این مدت بکمترین قول پانصد هزار تن از امراء و سایر طبقات مردم را بقتل رساند^۸ و قیام مازیار بن قارون در طبرستان و نقشه قیام افشین در بغداد، هیچکدام به نتیجه‌ای منتهی نشد و در واقع عامه

۸- التنبیه والاشراف صفحه ۳۵۵ در جوامع الحکایات از تاریخ مقدسی نقل شده است که حساب کردند کشتگان او را هزار هزار مسلمان راکشته بود- بنقل دو قرن سکوت ص ۲۳۸

ایرانیان که اسلام را بطیب خاطر پذیرفته بودند ، با آن قباها روی موافقت نشان ندادند .

چه بسا همینکه آنان را به اسلام و مسلمین خطرناکتر از امویان و عباسیان می دیدند ، برای سرکوبیشان با خلیفه همکاری می کردند از همین روست که می شنویم زمانی که ستمگریهای بی شمار " مازیار " برای حفظ قدرت و جمع مال و ثروت ، به بهانه قیام ملی (اصطلاح متداول ناسیونالیست های امروزی) و وعده های اعاده ی مجد و عظمت از دست رفته ی ایرانیان ساسانی ، از حد می گذرد ، مردمان از ستم وی به معتصم خلیفه ی عباسی نامه می نگارند و او را به یاری خود سوگند می دهند .^۹

نویسنده مقاله " نهضت های ملی ایران " در آخر بحث این چنین نتیجه می گیرد

" اما این نکته که چرا این همه نهضت های خونین و مکرر به نتیجه قطعی و روشن نرسیده است جوابش این است که بعضی از این نهضت ها بکلی بقایای مذاهب و ادیان قدیم بوده و بعضی دیگر مبنائی جز خیالیافی ها و جمع و تلفیق عقاید مختلف نداشت و مخصوصا چون در بعضی از این نهضتها علاقه به تجدید دیانت زردشت و ادیان دیگر تبلیغ می شد . کسانی از مردم ایران که دیانت اسلام را بطیب خاطر پذیرفته بودند با همه نفرتی که از دوام دستگاه خلفاء عرب داشتند با آن نهضت ها همدستان نبودند ، و نکته دیگر این است که در بعضی دیگر از این نهضت ها بین علمداران نهضت ها نیز که برای تجدید و احیاء دولت و روحانیت گذشته خویش قیام می کردند اتحاد و وحدت نظر در کار نبود چنانکه بایک به دست افشین از میان رفت و مازیار را آل طاهر برافکنند .^{۱۰}

کوتاه سخن آنکه نهضت های قومی و ملی بعد از اسلام ایران ، خاصه آنها که مبتنی بر ادعای تجدید دستگاه موبدان و احیاء آئین زرتشت و دیگر ادیان قدیم ایرانی بود با دشواری پیش می رفت و از میان ، فقط آن نهضت هایی به نتیجه رسید که لاقول در ظاهر با اسلام مغایرت نداشت .

در میان قیامها ، آن قیامی به نتیجه منتهی شد که از حمایت مردم ایران برخوردار بود و مردم نیز از نهضتی حمایت می کردند که به نفع اسلام و مسلمین باشد راز پیشرفت نهضت " ابو مسلم خراسانی " و " حسن صباح " و " اسماعیلیان " نیز همین معنی بوده است .

۹- بنقل دو قرن سکوت صفحه ۲۷۵
۱۰- دکتر عبدالحسین زرین کوب ، هفته نامه کمیته اطلاعات . . . شماره ۷ صفحه ۱۱

ابومسلم خراسانی آنچه در دل داشت اظهار نمی‌کرد ولی بظاهر قیام او دفاع از اسلام بود و پیکار او رنگ اسلامی داشت او برترین رهبری و تحقق آرمان اسلامی را در دامن خاندان پرهیزگار پیغمبر می‌جست او می‌گفت حکومت بنی امیه مالا مال از ظلم و تبعیض و ستم است باید برچیده شود و شخص پاکی از خاندان پیغمبر بر سر کار آید ، او بقدری خود را وفادار اسلام و مسلمین قلمداد می‌کرد که در زمانش شخصی بنام " بهافرید " مجوسی قیام کرد . ابومسلم عبدالله بن شعبه را به جنگ وی گسیل کرد تا او را در جهال " بادغیس " بگیرد و نزد وی برد ابومسلم بفرمود تا او را بکشند و هر که از قوم او یافتند هلاک کردند .^{۱۱}

این بود که ابومسلم موفق شد و خاندان بنی امیه را از صفحه روزگار برانداخت ، زیرا او از حمایت مردم برخوردار بود و قیام او را تنها می‌توان بحساب مردم ایران گذاشت .

۱۱- آثار الباقیه صفحه ۲۱۱

بقیه تصویری زنده . . .

به تحقیق داود را از جانب خویش فضیلتی دادیم ، ای کوهها (در اطاعت خدا) با او هم آواز شوید (و در اختیار او قرار گیرید) و ای پرندگان (شما) نیز ، و آهن را برای او نرم کردیم .

آیا پیامبری مانند " داود " (ع) که از جانب خدا به او فضیلت و برتری داده می‌شود کوهها و پرندگان تحت تسخیر او درمی‌آیند ، چنان تهمت ، خائنانه و دهنکجی بمقام شامخ نبوت او نیست ؟

بدینسان می‌بینید که قرآن و اسلام برخلاف تعالیم کنونی عهدین ، انبیاء را مردانی منزّه ، وارسته و معصوم از گناه می‌داند ، در حالیکه کتابهای باصطلاح آسمانی بیهود و مسیحیت ، داود (ع) و دیگر پیامبران را به انواع آلودگی متهم می‌سازند در پایان این مقاله ، این حدیث را نیز از امیر مومنان علی علیه السلام در این زمینه نقل می‌کنیم

او می‌فرمود اگر مسلمانی را به عنوان محاکمه نزد آوردند که او معتقد باشد داود پیامبر ، با همسر او ریا ارتباط و سپس از دواج نموده است دوحده بر او جاری خواهد کرد حد اول بخاطر جسارت بمقام شامخ نبوت و حد دوم بجهت اسلام^۹

۹- یعنی حدی که از تهمت یک مسلمان به مسلمان دیگر جاری می‌شود .